

IDW

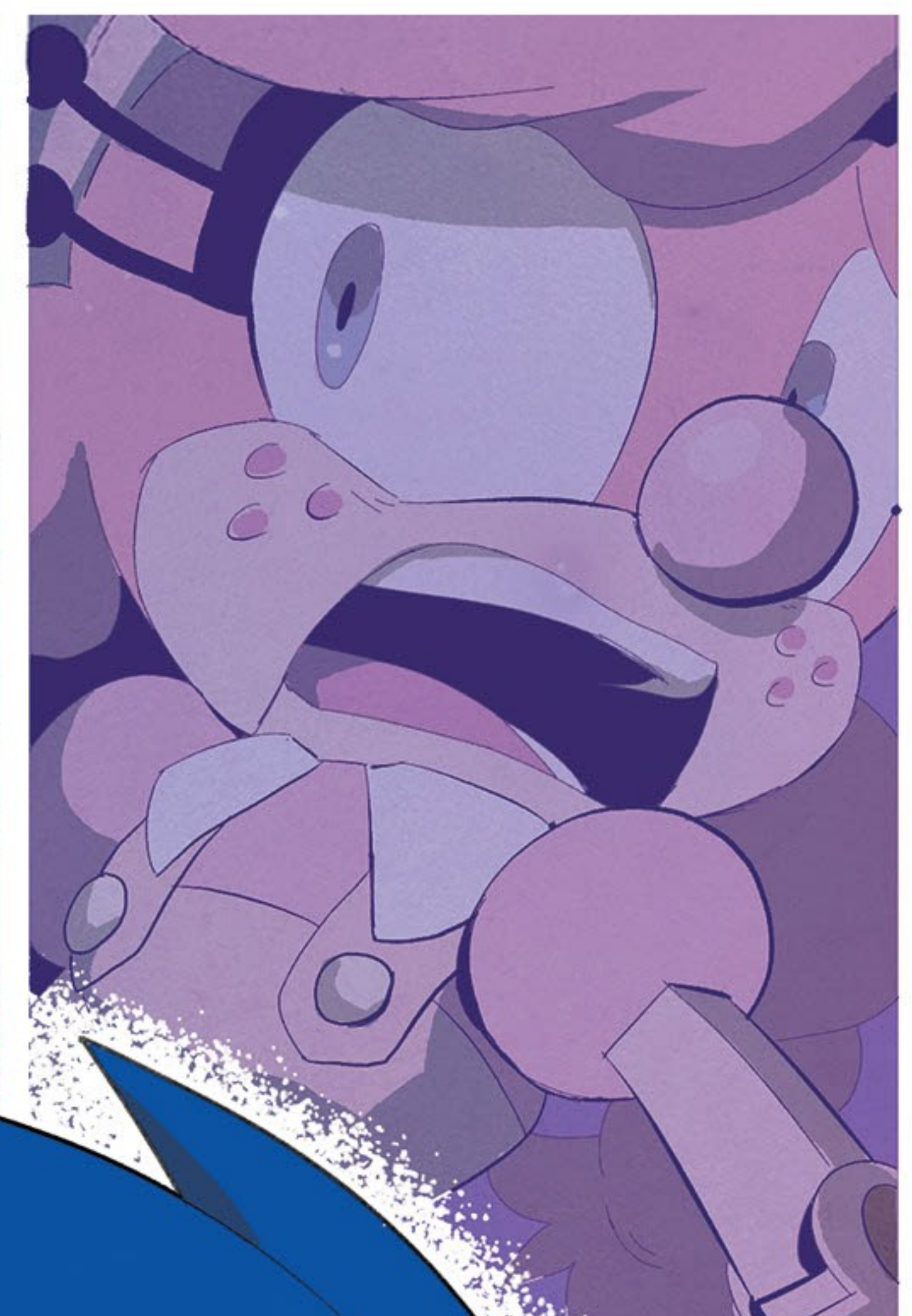
۱۴۱۶

کاور

A

سونیک

جوچہ تیغی



Gigi 10

SEGA®

فلین . یاردلی . فروس . هرمنز . م. قلی زاده . فخاریان



داستان
ایان فلین

مدادکشی
تریسی یاردلی

جوهرزنی
مت فروس

رنگ آمیزی
مت هرمنز

حروفنگاری
شاون لی

دستیار سردبیر
رایلی فارمر

سردبیر
دیوید ماریوت

مترجم و گرافیک کاور
معین م. قلی زاده

ادیتور
معین م. قلی زاده
هدیه فخاریان

Special thanks to Mai Kiyotaki, Michael Cisneros, Sandra Jo, Sonic Team, and everyone at Sega for their invaluable assistance.



IDW
www.IDWPUBLISHING.com

Nachie Marsham, Publisher • Blake Kobashigawa, VP of Sales • Tara McCrillis, VP Publishing Operations • John Barber, Editor-in-Chief • Mark Doyle, Editorial Director, Originals
• Lauren LePera, Managing Editor • Joe Hughes, Director, Talent Relations • Anna Morrow, Sr. Marketing Director • Keith Davidsen, Senior Manager, PR • Topher Alford, Sr. Digital
Marketing Manager • Shauna Monteforte, Sr. Director of Manufacturing Operations • Jamie Miller, Sr. Operations Manager • Nathan Widick, Sr. Art Director, Head of Design • Neil
Uyetake, Sr. Art Director, Design & Production • Shawn Lee, Art Director, Design & Production • Jack Rivera, Art Director, Marketing
Ted Adams and Robbie Robbins, IDW Founders

SEGA

Facebook: [facebook.com/idwpublishing](https://www.facebook.com/idwpublishing) • Twitter: [@idwpublishing](https://twitter.com/idwpublishing)
YouTube: [youtube.com/idwpublishing](https://www.youtube.com/idwpublishing) • Instagram: [@idwpublishing](https://www.instagram.com/idwpublishing)



SONIC THE HEDGEHOG #44. AUGUST 2021. ©SEGA. All rights reserved. SEGA is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. SEGA and SONIC THE HEDGEHOG are either registered trademarks or trademarks of SEGA CORPORATION. © 2021 Idea and Design Works, LLC. All Rights Reserved. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial offices: 2765 Truxtun Road, San Diego, CA 92106. The IDW logo is registered in the U.S. Patent and Trademark Office. Any similarities to persons living or dead are purely coincidental. With the exception of artwork used for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.

فرابه‌های امرالدویل.

قرار نیست
دستگاه تیلز رو
مغلوب کنید.
هالا که
هرفش شد...



...سواریتون
اینجاست.





فب... پی قراره به سرمون پیاز؟

شما رو می فرستیم فونه.

...پی؟



موشک زتی من همتون رو می بره و شما رو برمی گردونه به هلس کمشده. وقتی رسیدید اونجا، سیستم های خود-تفریبیش فعال میشه و زتی زپرها تون غیرفعال میشن.

شما توی دنیای خودتون رها میشید و ما هم از دستتون خلاص میشیم و در امان می مونیم.

پایید کله هاتون نفوره به در موقع پیرون اومدن. یا نباید. **واقعا** برام مهم نیست.





این لفظه از دلسوزی رو دهها برابر با فشونت و مهیبت تلافی می کنم.





ولی قرار
نیست قوانین خودم
رو از روی ترس زیر
پا بذارم.

میخواهی بیشتر
در دسر بسازی؟ اشکال
نداره. وقتت رو تلف کن.
هر دفعه دهنتم رو
سرویس می‌کنم.



هه. می‌تونم بپوش
احترام بذارم.



BWPOSH



موشک زتی تو راه
هکس کمشده هست،
چول. فبری از کیا تیکس
نیستش؟



اونتا به آفرین تماسشون جواب
ندادن. نمی دونم این یعنی اونتا
سرشون شلوغ یا اتفاق بدی
براشون افتاده، یا...!



اونتا شاید اونقدر
هرغهای به نظر نیان،
ولی کارشون رو انجام
میدن.



نگران
نباش، چول. آگه
کسی بتونه بل رو
پیدا کنه، اونتا
هستن.

با این حال،
بر همیشه خودم
برم یه سر
دنبالش.

اون پیرون
مراقب خودت
باش، سونیک.

مشکل شش
مرگبار شاید حل شده
باشه، ولی می دونیم
دکتر اکمن هنوز دنبال
شدرت های
خودشه*...



«...و هیچ معلوم نیست
که دلترا استارلاین باز
چه نقشه‌ای داره می‌ریزه.»

م-من
بل هستم. از
آشنایی باهاتون
فوشوقتم...؟

من
ک-کها م؟
چه اتفاقی
داره میفته؟!

بالافرها
تو مبهم‌ترین
زیربرنامه شروع
رو داری.

بازم میگم،
دقیقا بفاطر طراحی
غیرمعمولت هست
که دنبالته بودم!

م-م-من
نمی‌فهمم!

من هیچ چیز فاسی
نیستم! فقط چیز میز تعمیر
می‌کنم! و دسته کل به
آب میدم! نه همیشه
به همون ترتیب!

تو پیچیده‌تر
از چیزی هستی که به
نظر میای. هر دو مون
اینو می‌دونیم.



تو رو خدا
سیم می‌هام رو
نریز بیرون...

اصلاً فکرش
رو هم نکن! تو یه اثر هنری
منصهر به فرد و فوق العاده
پپیده‌ای هستی! من حتی هرقت
نمی‌کنم ریسک آسیب زدن
بهت رو بکنم!



شاید رابطه بینمون شکر آب شده
باشه، ولی هنوز برای کارهای دکتر اکمن
ارزش والایی قائل میشم.



من به
دست اکمن
ساخته نشدم!



هرقت درسته... تا حدی. حدس می‌زنم
تو داستان کامل رو نمی‌دونی.

ه-هیچ
داستانی هم در
کار نیست.



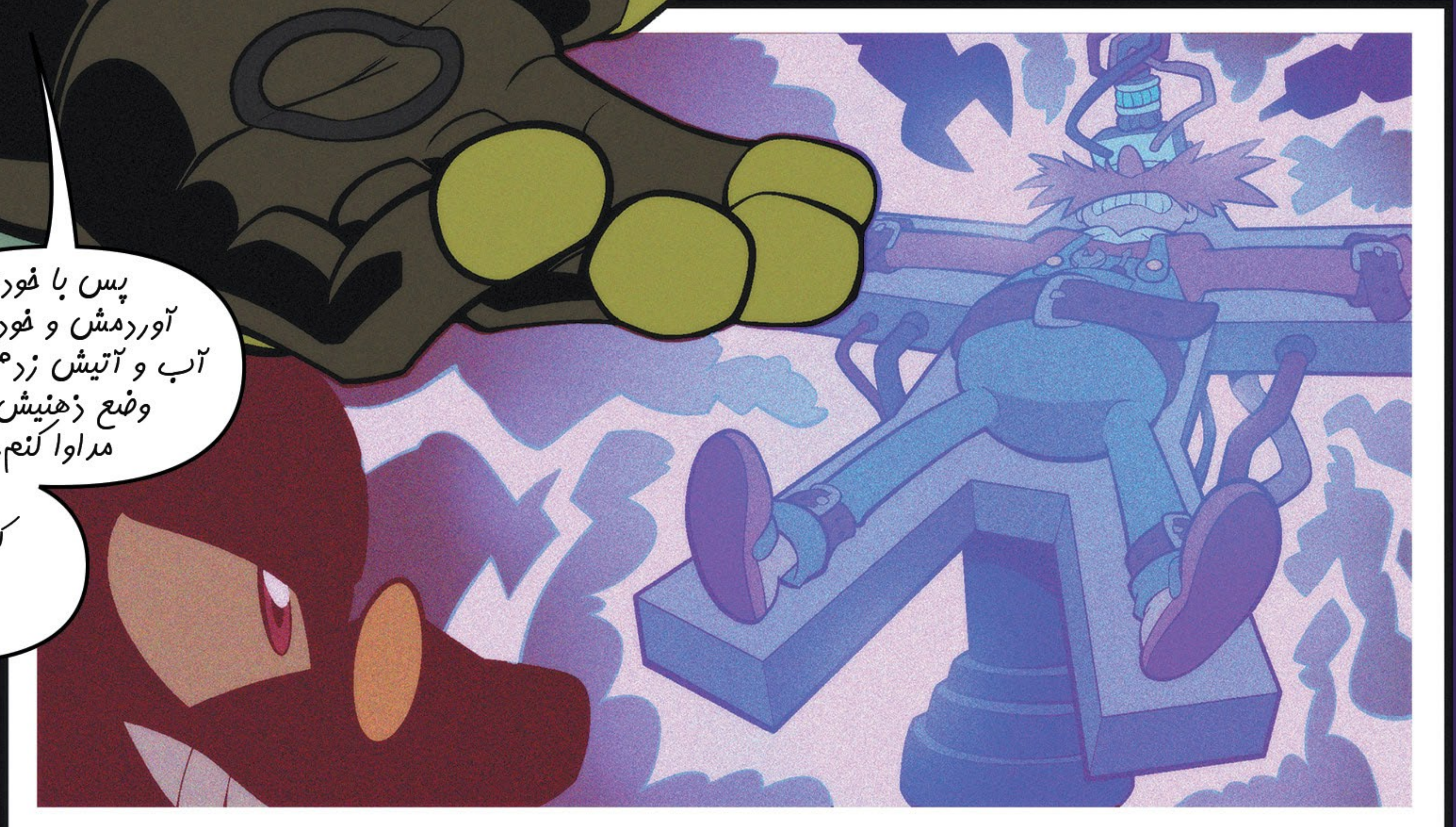
توت-توت،
عروسک کوچولو. دروغ
گفتن‌هات دماغتو
کنده می‌کنه.



دکتر اکمن
هاغظه‌اش رو از دست داد
بعد از یکی از بزرگترین
شکست‌هاش.



اون هویت
آقای تینگر رو گرفت،
یک مفتح و تعمیرکار
مهربون.



پس با فودم
آوردمش و فودمو به
آب و آتیش زدم تا اون
وضع ذهنیش رو
مداوا کنم.

با...
کمی کمک از
طرف متال
سونیک...

... تو تبریش
کردی به اکمن...

البته! تنها ایرادش
از دست رفتن دیر طراحی
متفاوت "آقای تینگر" بود.

دکتر اکمن یک سبک خاص در ساخته‌هایش داره، بعضی وقتا
کمینه‌گرا و مینیمالیست، بعضی وقتا التقاطی و متنوع،
ولی همیشه با یک درونمایه عمده.

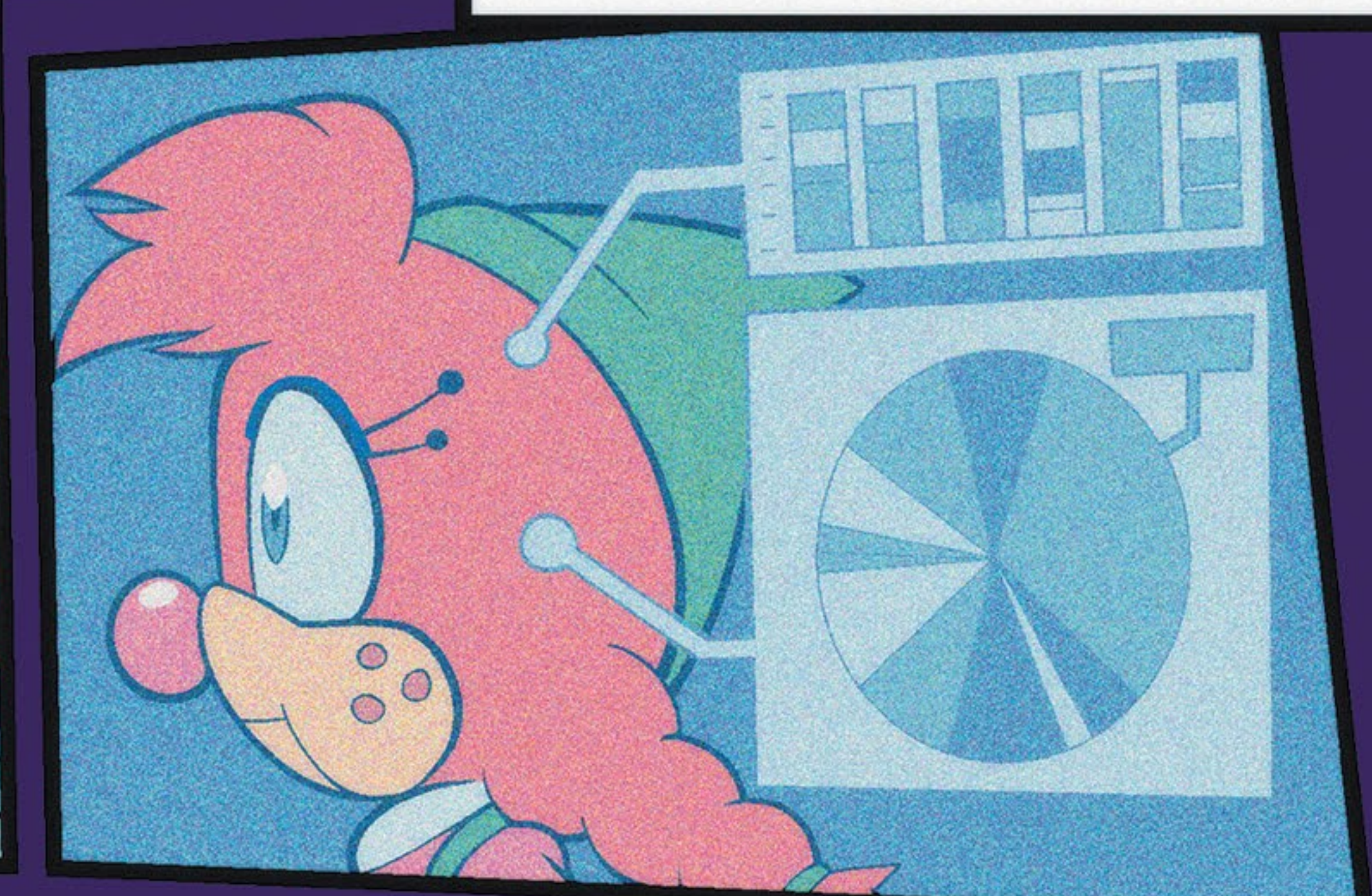
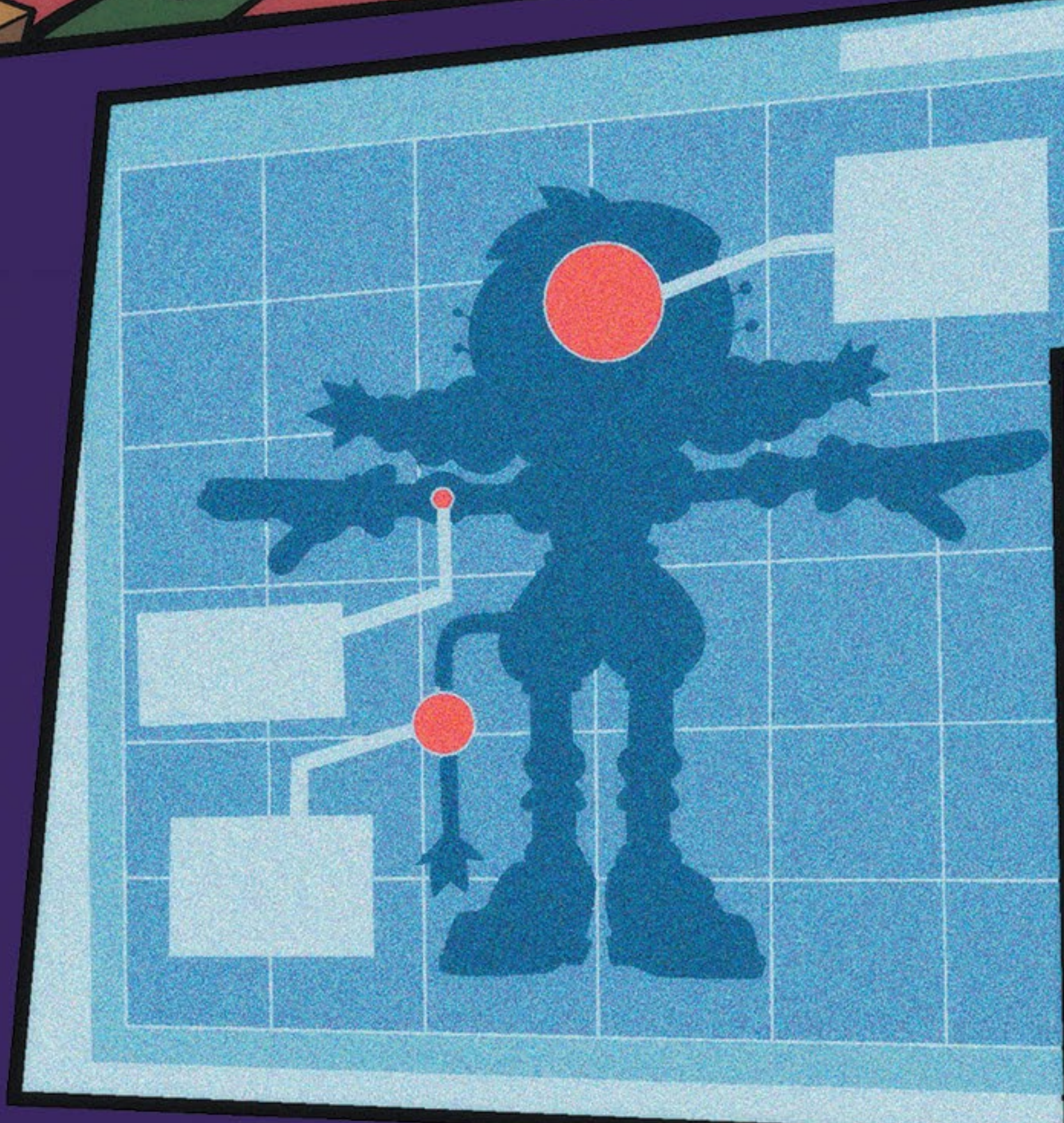
اون هیپووقت
به فکر ساختن عروسک
فیمه شب بازی‌ای مثل
تو نمیفته. یا اینکه بقواد
یکی دیگه درست
کنه.

برای همین که
نیاز دارم مطالعه
کنم طراحی--

تو پدرمو
ازم گرفتی!

پینگ پینگ
پینگ

هشدار

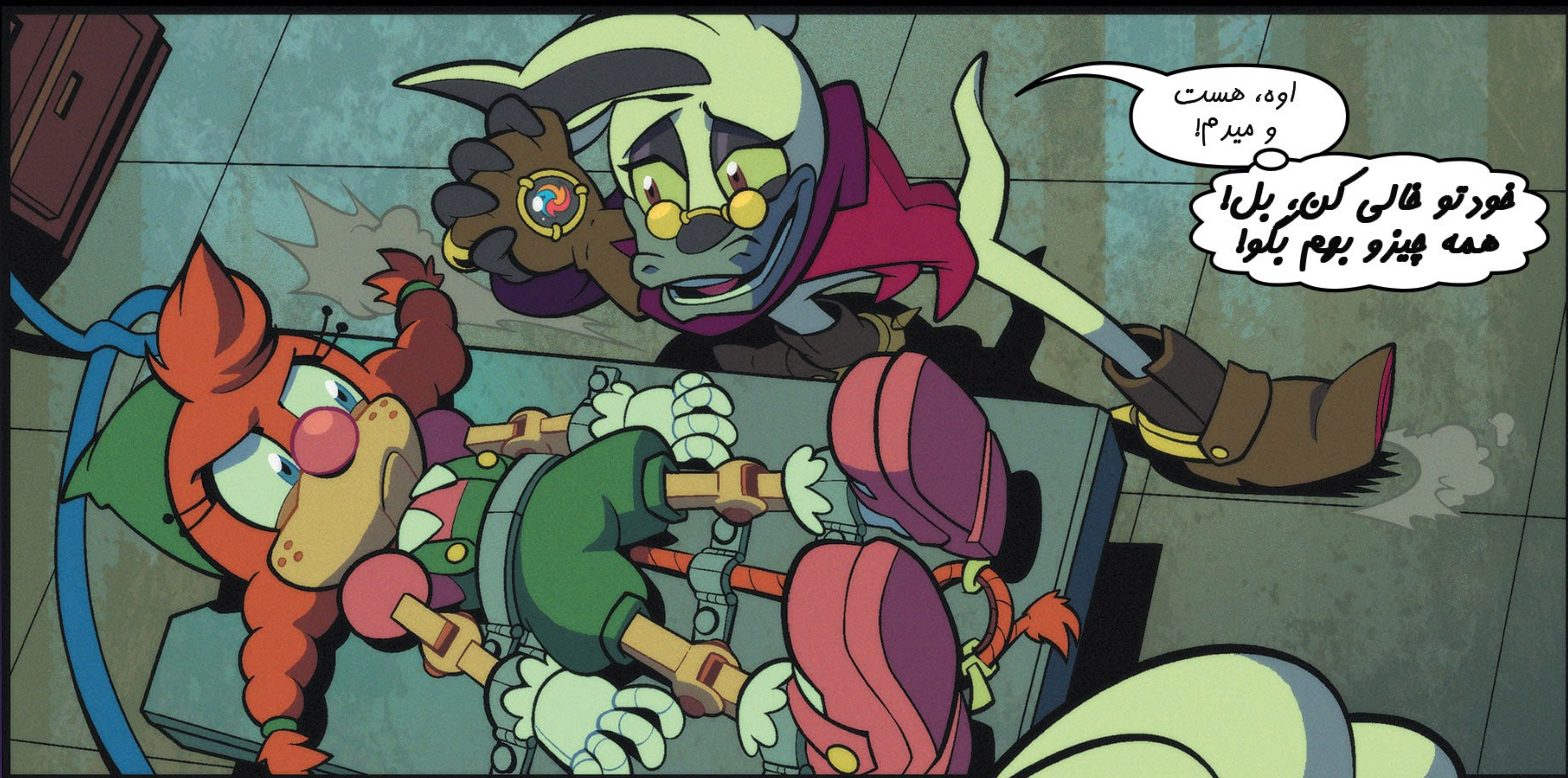




آرها چه شور و
حرارتی! چه شبیه سازی
احساسات واقع
-گرایانه ای!



اصلاً برات موم
نیست؟!
اصلاً بوم گوش
میری؟!



اوه، هست
و میرم!۳

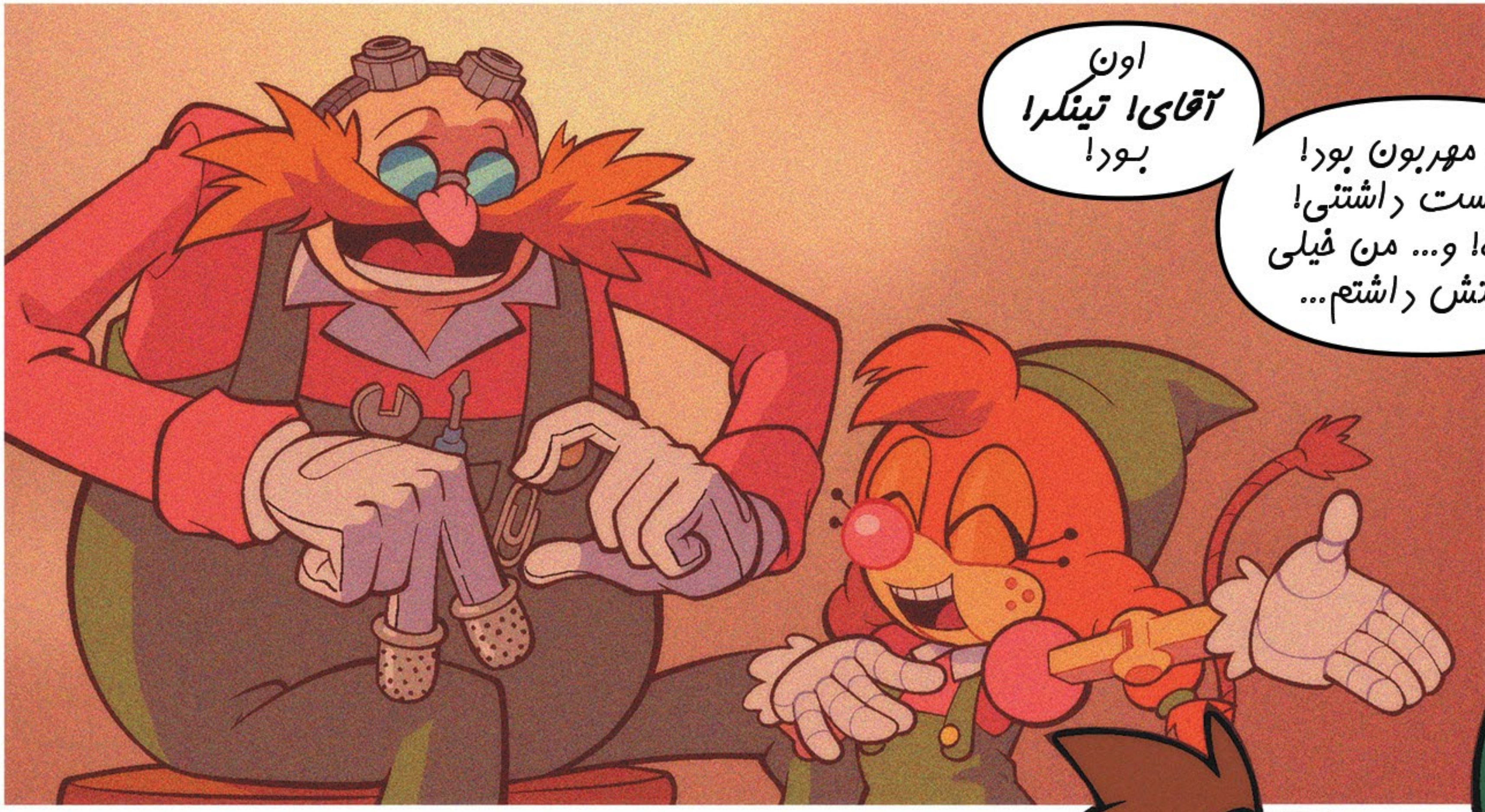
فود تو هالی کن، بلا
همه چیز و بوم بلوا

عوضی بی احساس! تو
همه چیز و خراب کردی!



کمتر از
من بگو، بیشتر از
فودت بگو. دکترا امن تو
رو زمانی که توی روستای
آسیاب بازی بود ساخت،
صدیخ؟





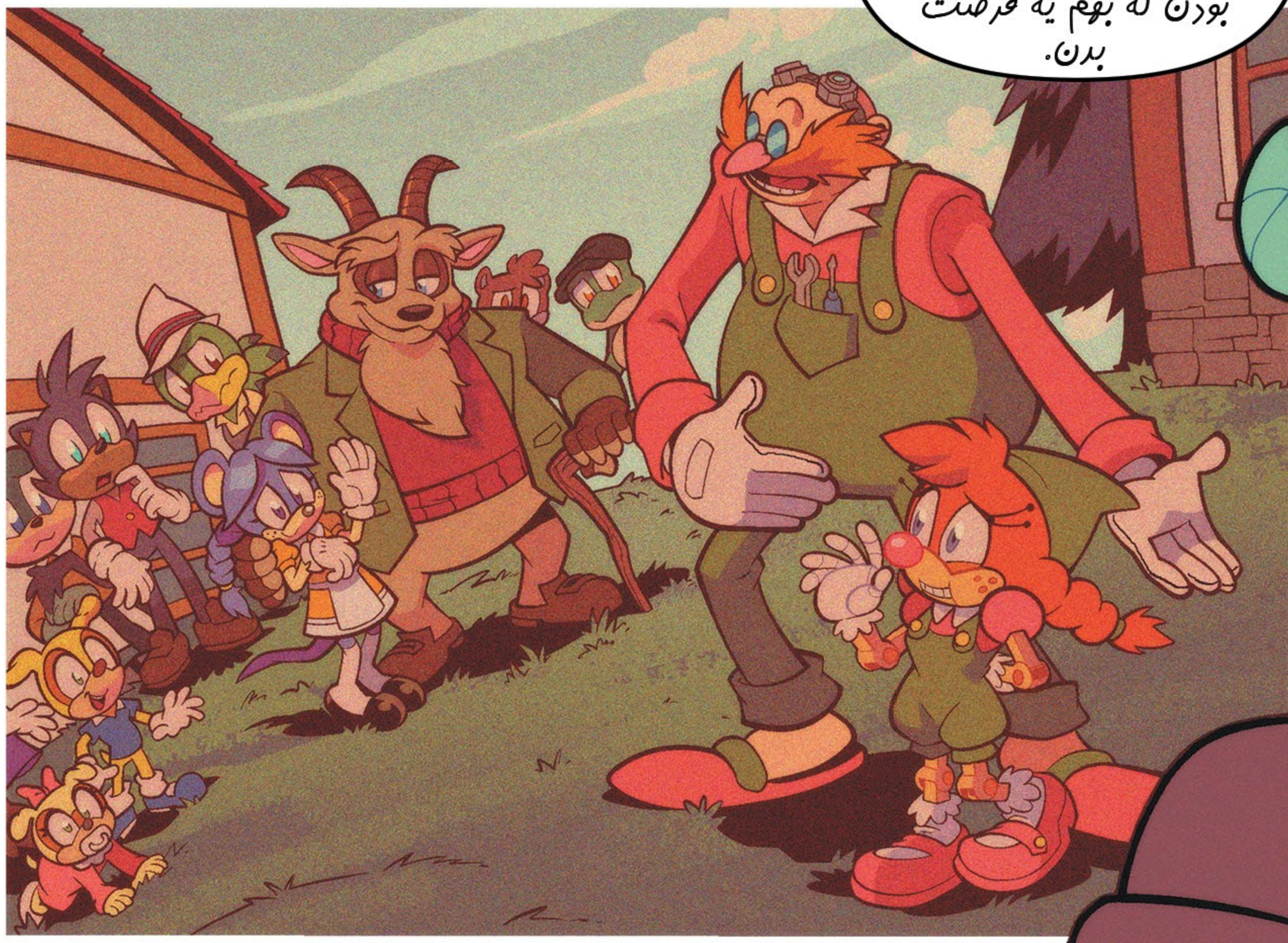
اون
آقای تینکرا
بود!

اون مهربون بود!
و دوست داشتنی!
و بامزه! و... من خیلی
دوستش داشتم...



...خیلی فوشمال
بودم با تعمیر کردن
اسباب بازی‌ها و سواری
-هایی که اون برای
پچه‌ها ساخته بود.

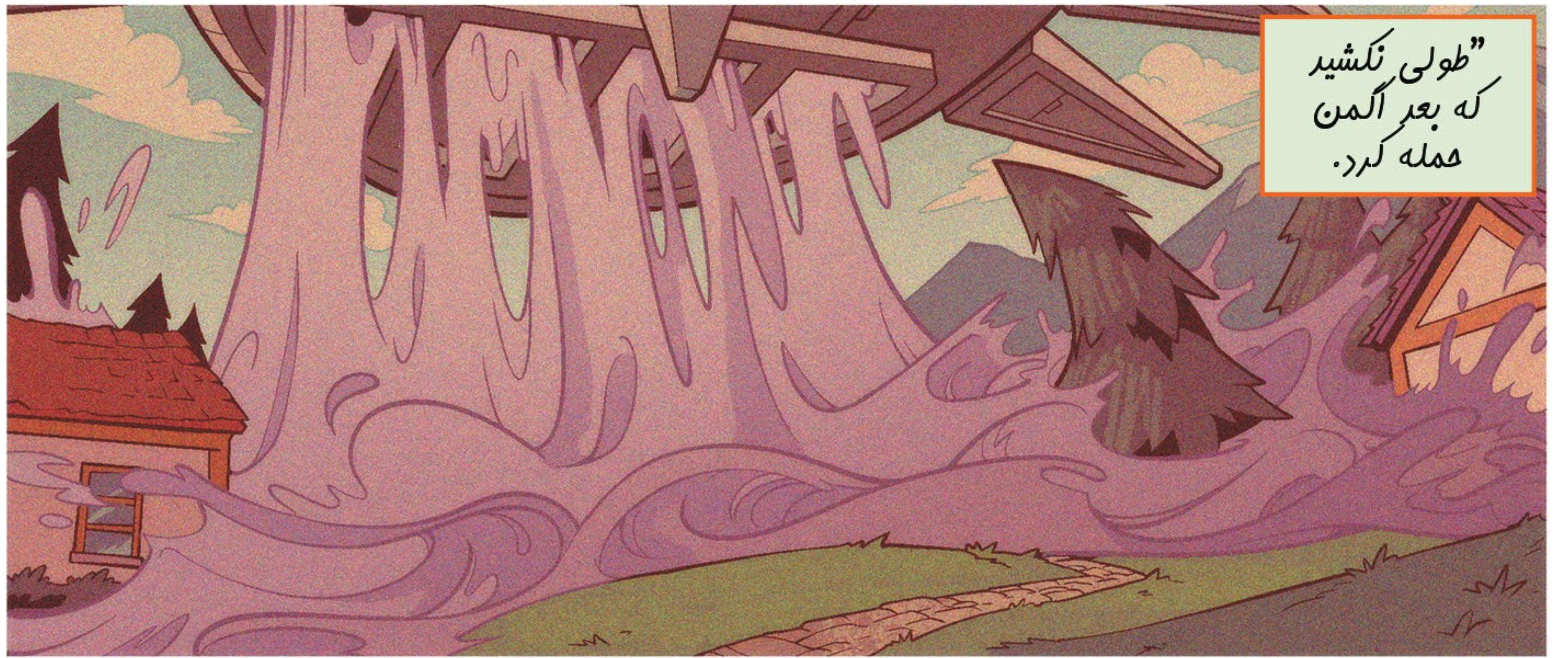
اون شروع کرد به
معرفی کردنم به اهالی روستا.
اونوقت نزدیکم بودن
مضطرب بودن، ولی ماضر
بودن که بوم یه فرصت
بدن.



”بعد یه روز... اون
ناپدید شد.“



”طولی نکشید
که بعد آگمن
حمله کرد.“



”ویروس متال روی من
تأثیری نداشت...“



”...و من فیلی
تنها بودم.“



”در نهایت همه فالشون خوب
شد و برگشتن فونه...”



”...ولی اونا منو مقصد می‌دونستن. اونا
فکر کردن من یه جاسوس آلمن بودم.”

”اونا هر چیزی که آقای تینگر ساخته
بود رو شکوندن و بازیافت کردن...”



”...هر وقت هم سعی
می‌کردم چیزی رو درست
کنم، عصبانی می‌شدن.”



”پس فرار کردم.
دنبال... اون
می‌گشتم.”



”فکر کردم... شاید اگه
پیداش می‌کردم، باهاش
می‌تونستم صحبت کنم.
کاری کنم برگرده...
به عنوان آقای تینگر.”

”به جاش، سونیک
و تیلز منو پیدا
کردن.”





فکر کردم... شاید... با کمک اونتا... همه چیز رو درست کنم...



هیرت انگیزه.



واحد های قابل اندازه گیری و خاداری، مهبت فناوری، و طیف گسترده ای احساسات!

مس هدف و وابستگی، فروچی گرفته شده در قالب یک کد زیبا و قابل کپی.



و همشون حاضر و قابل اعمال هستن! این منو از ماهها تحقیق راحت می کنه!

من می تونم اینو مستقیماً روی اونتا اعمال کنم و بلافاصله شروع به آزمایش کنم!



پرا اصلاً فورمو ازیت کردم؟ برات مهم نیست. برای هیپلس مهم نیست...



CLICK



ساکت بمون.
تا وقتی هواسش پرته
خدار می کنیم.



و بدتر از همه،
اینجا روح هم
داره!؟



و ایستا بینم...
تو همون یارو کارآگاه
نینجاییه هستی..

...که می تونه
نامرئی بشه...

...آو، یا حضرت
فاک ازه.



اوه، ممض
رضای خدا...

...پیشانش شو، دکی!
کیاتیکس تو رو
مهاصره کرده!



ای وای من.
چطور منو اینقدر
سریع پیدا کردید؟

**CLAP
CLAP**



همه بخشی از
یه کار، آگاه فوب بودن
هست.

آره!
و حالا می‌دونیم
مفیکاه شیطانیت
کجاست!



هاهاهاا خبزندم،
فکر می‌کنی این پایگاه مقدر
مقر اصلی منه؟



خب... فکر
می‌کردم... تا وقتی که
همین الان اونپوری
فندیدی...

موم نیست.
ما تو رو با فودمون می‌بریم
و فایل‌ها رو زیر و رو
می‌کنیم. به زودی می‌فهمیم چه
نقشه‌ای داشتی می‌کشیدی!



تمام اطلاعات
همین الانش آپلود شده
به سرور ابری شفهیم.
پیزی نیست اینجا که
بفواید دنبالش بگردید.



ولی فقط
مفص اطمینان...



بگیریدش!



بوتره
من...؟

یه جا
پناه بگیر!





انشاء الله
دفعه بعد، کار آگاه‌ها.
و قائم بل؟
ازت ممنونم.



تو فیلی
مفید واقع
شدی.



آاهه
اون فیلی
سریعه

تو حالت
فوبه؟ باهات
کاری که نکرد؟



اون قلبم
رو شلونند.

منظورت...
واقعی هست؟
چون تیلز شاید بتونه
درستش بکنه.



نه...

ششش...
همه پی فوب
میشه الان.

من اینجام.
و تو دوست‌هایی
داری که منتظرت
هستن.

در همین عین--
هکس گمشده.

FWOOSH



به فاطر داشته باشید،
یاران من، که ما به جنگی رفتیم
که خیلی بزرگتر از هر چیزی
بود که هر زتی ای تا حالا
به عهده گرفته.

در اون میشه
افتخار و سربلندی پیدا کرد،
با این حال پیروزیمون ازمون
با اندک افتلاخی به دست اون
چوندها دزدیده شد.

ولی در
شکست، آلهی
و تدر به هست.

این هیله‌های ناپیز نمی‌تونه
ما رو دوباره شکست بده.
هکس کمشده ما رو برای
همیشه نگه نمی‌داره.

ما به دنیای
زیرین برمی‌گردیم با
فونقواهی.
آلهتر.
قویتر.

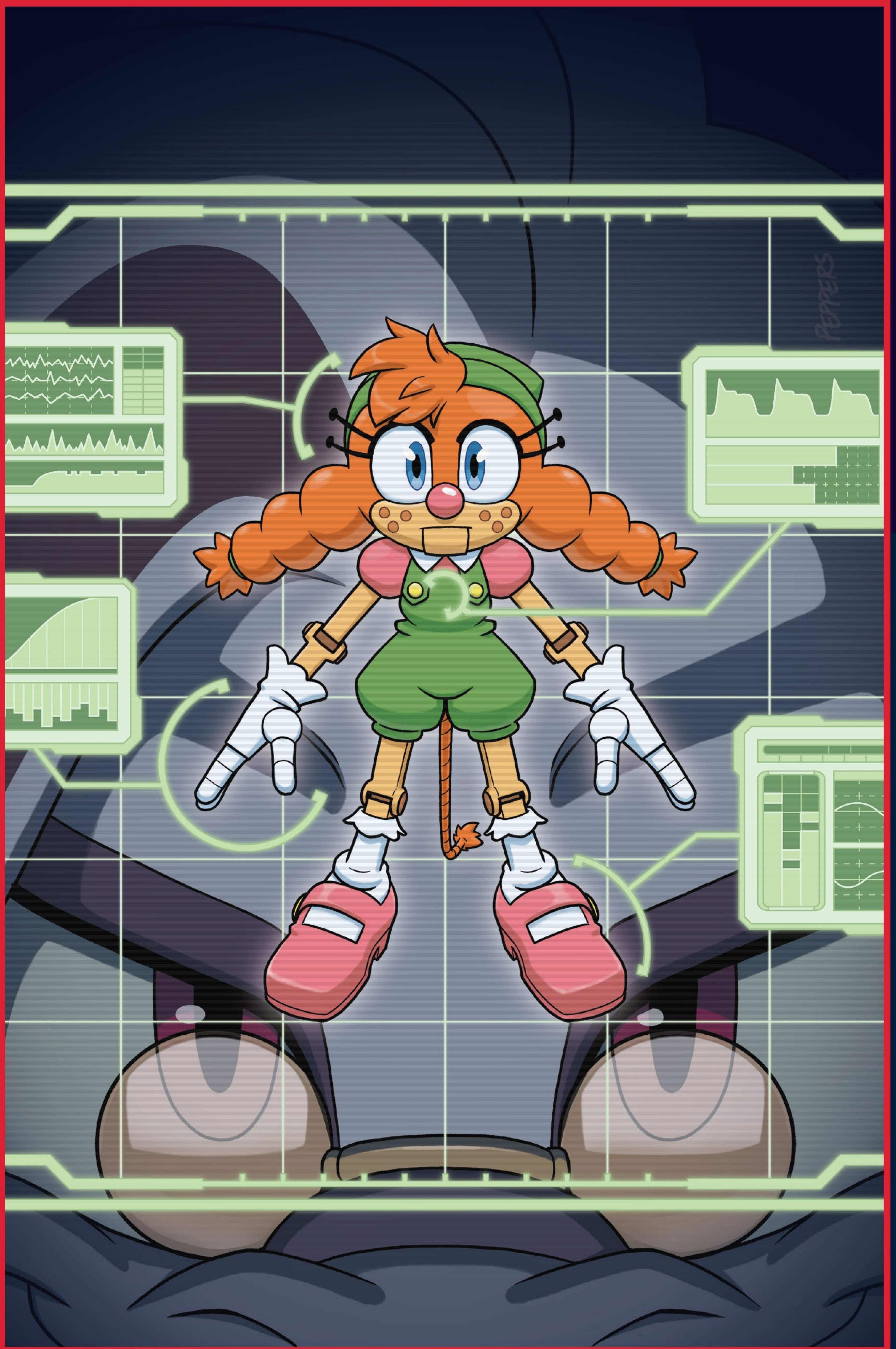


و حتی
بی‌رحمتر
از قبل.

**پایان شش مرگبار -- فعلاً
قسمت بعد: آزمون آتش**



طراحی جیجی دو ترکیس



طراحی جمال پپرز



طراحی ناتالی فورد رین